

## آماري از كاشان

در دنياي جديدی كه امور و مسائل آن انعكاسی ضعيف در اجتماع مسا دارد آمار يکی از ضروریات اساسی زندگی اجتماعی است برای درك و حل مشكلات زندگی، برای رفع نیازمندیهای عمومی و برای تنظیم امور اجتماعی و برنامه های آینده آمار وسیله كارها است و كمکی كه در پیشرفت و انجام كار مینماید غیر قابل چشم پوشی است. از روی آمار وضع اجتماعی سرزمین هادرجه پیشرفت یا عقب افتادگی مردم میزان تكامل صنعت و تكنيك و بالاخره كمیت و کیفیت تولید صنعتی و كشاورزی يك ملت با دقتی علمی بررسی و تعیین میگردد.

در كشود ما آمار مراحل اولیه خود را میگذراند و نه تنها پیشرفتی ندارد بلكه نقش آن در اجتماع نیز هنوز مجهول مانده است.

در ادوار گذشته آماری كه تنظیم گردیده است زیاد تر در مورد جمعیت كشور بود و كمتر بامور و مسائل دیگر معطوف شد.

سر شماریهای گذشته نیز با روشهای جدید علمی بعمل نیامد و بهمین لحاظ نمیتواند مورد اطمینان قطعی قرار گیرد. در سال گذشته اداره آمار وزارت كشور با همکاری اصل چهار آماری از شهرستان كاشان تنظیم نمود كه از لحاظ روش كار و هم چنین مسائلی كه مورد توجه قرار گرفت تا زگی داشت. آمار مذکور بطوری كه اعلام شد آزمایشی بود و روی دو موضوع نفوس و كشاورزی تنظیم شد. آمار گران از تاریخ ۱۷ آبان سی و سه تا تاریخ ۲۹ همان ماه مشغول كار بودند و در این مدت نسبتاً قلیل از شهر كاشان: ۱۵۱۰ ده و ۱۹۰ مزرعه آمارگیری كردند. دو نوع پرسشنامه بكار برده شد یکی پرسشنامه ده بمنظور جمع آوری اطلاعات مربوط بمحصولات كشاورزی و دامها و طرق كشاورزی در ده و دیگری پرسشنامه خانوار جهت كسب اطلاعات جامع و مفصل راجع بخصوصیات جمعیت و خانواده... پرسشنامه اولی در ایران كاملاً بدیع و تازه است و گر چه اطلاعات مستفاد از آن هنوز منتشر نشده است معذالك آمار تنظیم شده برای مطالعات متنوع كشاورزی و هم چنین اجرای رفرمهای كشاورزی در كاشان ( چنانكه در نظر باشد ) بسیار مفید خواهد بود. از روی آمار تنظیم شده در مورد خانواده و جمعیت مطالعات دقیق و سودمند اجتماعی و سوسیولوژيك بعمل میآید كه موضوع بحث ماست. شهرستان كاشان شامل شهر كاشان و ۱۵۱۰ ده و ۱۹۰ مزرعه مستقل دارای



۱۶۵۹۶۶ نفر جمعیت است از این عده ۸۳۰۱۶ نفر مرد و ۸۲۹۵۰ نفر زن هستند. خود شهر کاشان ۴۵۵۸۸ نفر جمعیت دارد :

۲۲۸۶۰ نفر مرد و ۲۲۷۲۸ نفر زن. در این آمار بطوری که دیده میشود و برخلاف بعضی آمارهای اروپائی تعداد زن و مرد کم و بیش مساوی است و حتی شماره زنان کمتر از مردان است. مشخصات دیگری که در تنظیم این آمار در نظر گرفته شده تا آنجا که از روی اوراق منتشره میتوان قضاوت کرد عبارتست از جنسیت، سن، ازدواج و طلاق و پورسانتاز افرادی که ازدواج کردند سواد خواندن و نوشتن و بالاخره شاغلین و بیکاران. شکی نیست که جنبه های مختلف این آمار مورد استفاده قرار خواهد گرفت و آنچه در آمار مذکور منظور گردیده است برای مطالعات مختلف اجتماعی و اقتصادی مفید است اما متأسفانه نوع کار مردان و زنانی که بکار مشغول هستند و میزان ثروت خانواده ها که برای مطالعات سوسیولوژیک فوق العاده مفید و ضروری است در نظر گرفته نشده است. (باز هم تاجائی که اوراق انتشار یافته اجازه قضاوت میدهد.)

در نتیجه سر شماری مذکور معلوم گردید که جمعیت متوسط هر يك از ده های کاشان ۷۹۱ نفر و جمعیت متوسط هر يك از مزارع مستقل فقط ۴۹ نفر بوده است. گو اینکه آمار کشاورزی این شهرستان هنوز منتشر نشده است اما با در نظر گرفتن وسعت اراضی دهات جمعیت متوسط ناچیزی که هر يك از روستاها دارد مبین محصول ناچیز کشاورزی و وسائل و ابزار کشاورزی کهنه و متروک و کم اثر و بالاخره فقر و استیصالی است که خود مولود روابط اجتماعی و تولیدی پوسیده و کهن است.

در این سر شماری تعداد گرما به ها اماکن مذهبی (شامل مساجد تکیه ها سقاخانه ها) رادیو و بیمارستان ها و درمانگاهها مورد نظر قرار گرفته است و در آمار منظور شده. از روی این ارقام میتوان تا حدود زیادی میزان و برد تعلیم و تربیت، حدود بهداشت و آگاهی مردم را حساب کرد. شهرستان کاشان (شامل شهر کاشان - ده ها و مزارع) با ۱۶۵۹۶۶ نفر جمعیت فقط ۹۷ مدرسه دارد. (در آمار تنظیم شده تعداد مدارس متوسطه و ابتدائی از هم تفکیک نگردیده است. معلوم نشده مدارس ابتدائی همه شش کلاسه است یا خیر و باز مدارس ابتدائی دخترانه و پسرانه را جدا نکرده اند.) از روی این آمار میتوان حساب کرد که هر ۱۷۱۰ نفر جمعیت دارای يك مدرسه هستند و هر گاه هر خانواده را پنج نفر حساب کنیم هر ۳۴۲ خانواده پنج نفری دارای يك مدرسه است. اما آیا هر مدرسه کنجایش ۶۸۴ دانش آموز را دارد (بفرض اینکه هر خانواده دارای دو طفل باشد.) جواب منفی است و تازه در این حساب از تعدادی زیاد روستاها که فاقد مدرسه اند صرف نظر شده است. ارقام مذکور شاهد گویا و تردید ناپذیری بر محرومیت مردم شهرستان کاشان از تعلیم و تربیت است که در اینجا باید تعلیم و تربیت را منحصر بخواندن و نوشتن نمود. در نشریه آمار تصریح شده که بیشتر از نصف ده ها فاقد مدرسه است.



از تعداد ۱۵۱ ده و ۱۹ مزرعه کشاورزی که عامل اساسی و تعیین کننده اقتصادی شهرستان کاشان و کشور ما است فقط ۱۴ ده هر يك دارای يك بیمارستان یادمانگاه میباشد نتیجه گویای این آمار که کم و بیش میتواند معیار و نمونه آمار شهرستانهای دیگر نیز قرار گیرد این است که کشاورزان از بهداشت محروم هستند و پیوسته مورد حمله بیماریهای گوناگون میباشند. خود شهر کاشان که شهر است با ۴۵۵۸۸ نفر جمعیت فقط ۴ بیمارستان دارد یعنی هر ۱۱۳۹۷ نفر جمعیت يك بیمارستان دارند ( تازه ظرفیت کمی و کیفی این بیمارستانها در نظر گرفته نشده است ) آیا بدون داشتن وسائل بهداشت و مبارزه با امراض میتوان افراد سالم و کاری تربیت کرد؟ و آیا از افراد علیل و بیمار وضعیف میتوان انتظار کار مثر و مداوم داشت؟

تقریباً تمام دهات و مزارع مستقل حداقل دارای يك حمام است، این تنها رقم آمار است که نسبت با ارقام دیگر باعث امید واری و دلگرمی و باز در قبال مقایسه با آنها مایه سرافرازی است اما لازم است طرف دیگر مدال را نیز تماشا کنیم. جمعیت متوسط هر ده ۷۹۱ نفر است. با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت کار کشاورزان و اینکه لازمه آن ( وسائل و ابزار تولید کشاورزی را فراموش ننمائید ) غوطه خوردن در خاک و کود و سرو کار داشتن با آب و قنات است و این نوع کار احتیاج به نظافت و استحمام فراوان دارد حساب کنیم که هر کشاورز چند وقت یکمرتبه صرفنظر از امکانات مادی خود میتواند بحمام برود. فرض کنیم هر حمام ده بطور متوسط گنجایش ۴ نفر را در آن واحد داشته باشد و شبانه روز باز هم بطور استثنائی و فوق العاده ۱۶ ساعت دارای آب گرم و مویای کار باشد و هر فرد برای شست و شوی کامل حداقل یکساعت وقت صرف نماید با تمام این فروض بعید برای افراد هـ-۱۳ روز يك بار فرصت و نوبت حمام رفتن میرسد! اما آیا واقعا اینطور است؟

در حدود ۵۰ درصد از دهات هر يك دارای يك رادیو میباشد و در ۲۳ ده تعداد رادیو دستگاه یا بیشتر است در ۵۰ درصد از دهات که هر کدام ۷۹۱ نفر جمعیت متوسط دارند يك رادیو پیدا میشود از این رادیو که بطور قطع متعلق بکدخدایا نماینده مالکین است حداکثر بیست نفر استفاده مینمایند و بقیه اهالی ده در پیخبری مطلق فرورفته اند. بیست و سه ده که تعداد رادیوی آنها زیادتر است استثناء دهات آبسادی است که باز تمام افراد آن از رادیو استفاده نخواهند کرد تعداد رادیو های شهر کاشان حساب نشده و در آمار منظور نگردیده است.

قابل توجه است که در شهرستان کاشان مجموعاً ۷۳۸ مسجد و مقبره و تکیه و سقاخانه بنا شده و هر ده یا مزرعه تقریباً دارای يك مسجد یا تکیه و یا سقاخانه است. آثار محرومیت از پزشک و دارو و بهداشتی وهم چنین نداشتن تغذیه کافی و کارنا متناسب و فراوان در حد متوسط سن ظاهر گردیده است و نیازی بسدقت و بررسی ندارد! حد متوسط سن در سرشماری شهرستان کاشان بیست سال است.



در بين ۱۶۵۹۶۶ نفر فقط ۷۶۲ نفر سنشان از ۸۵ سال بالا تر است  
 ۲۳۴۲۵ نفر بين ۷۵ و ۸۴ سال دارند ۶۰۰۸ نفر بين ۶۵ و ۷۴ سال ۱۰۴۹۲ نفر  
 بين ۵۵ و ۶۴ سال ۱۳۳۱۱۰ نفر بين ۴۵ و ۵۴ سال و ۱۴۳۳۳ نفر بين ۳۵ و  
 ۴۴ و ۲۲۹۵۴ نفر بين ۲۵ تا ۳۴ سال . . . نشریه آمار توضیحی که در  
 این باره میدهد اینست که مفهوم حد متوسط سن تقسیم جمعیت کل بدو قسمت است  
 که نصف جمعیت از بیست سال بالاتر دارند و نصف جمعیت از بیست سال پایین تر!  
 اما توضیح و تفسیر آموزنده تر و تحقیقی تر حد متوسط سن عبارتست از اینکه هر  
 گاه مجموع سالیان زندگی مردم کاشان را که فوت شده اند بر تعداد آنها یعنی مردگان  
 قسمت کنیم بطور متوسط هر فردی فقط بیست سال زندگی کرده است نتیجه ضعف و  
 بیماری زن و مردی که ازدواج می کنند و فرزندان علیل ضعیف و کم خون بوجود  
 میآورند و این افراد نیز بنوبه خود زیر فشار فقر و محرومیت و کار مداوم و  
 نداشتن تغذیه کافی کم خرم میکنند و پس از تولید افرادی نظیر خود بدو حیات میگویند  
 حد متوسط سن گویا ترین رقمی است که در آمار کاشان معرف وضع اجتماعی و  
 اقتصادی مردم آن سامان است.

بر طبق همین سرشماری ۶۹ درصد زنان که سنشان از پانزده سال بیشتر است  
 شوهر کرده اند ۱۷ درصد بیوه شده اند و یک درصد مطلقه میباشند نکته قابل توجه  
 در این ارقام تعداد قلیل طلاق است این رقم را نمیتوان نشانه از سازش و رفاه  
 و توافق کامل زن و مرد دانست بلکه از نظر دقیق زیادتر حاکی از طبیعت مطیع و  
 بردبار زنان است که با هر گونه اجحاف و فشار مردان میسازند و دم بر نمیآورند  
 تعداد زنان ازدواج نکرده ۱۳ درصد است در حالی که مردان مجرد ۲۹ درصد  
 میباشند زنان که از نظر اقتصادی تابع و وابسته مرد هستند نمیتوانند در خانه پدر  
 بمانند و سر بار او باشند بهمین لحاظ همینکه به ۱۵ سال رسیدند (سن قانونی برای  
 ازدواج رجوع شود بقانون مدنی) از سر پدر و مادر باز میشوند و در حالی که استعداد  
 جسمانی برای ازدواج ندارند بخانه شوهر روانه میگردند اما مردان که آزاد تر  
 هستند و خود باید نان خود را در آورند ۲۹ درصدشان مجرد مانده و تمکن مالی برای  
 ازدواج نداشته اند نشریه آمار مینویسد «این موضوع جالب توجه است که در سنین بین ۱۵ تا  
 ۲۵ سال ۶۱ درصد زنان ازدواج کرده بودند در حالی که بین مردان این میزان به  
 ۱۷ درصد میرسد» معلوم نیست بنظر اداره آمار و تنظیم کنندگان نشریه واقعیت  
 مذکور از چه نقطه نظر جالب توجه بوده است اما در هر حال علل این امر شاید روشن  
 باشد زن که از لحاظ اقتصادی تابع مرد است نمیتواند در خانه پدر بماند و ناگزیر  
 دیر یا زود روانه خانه شوهر می گردد و ضمناً ارقام مذکور شاید حاکی از یک  
 فحشای یکطرفه هم باشد هده از زنان که ازدواج هم کرده اند سن خود را  
 در پرسشنامه اعلام نموده اند و آمارگران سن آنها را از ۱۵ بیافزودند کرده اند  
 این زنان و ازدواج آنها موضوع جرمی است که در حقوق جزای ایران ازدواج  
 غیر قانونی شمرده میشود چه برخلاف نظر آمارگران سن آنها کمتر از ۱۵ سال بوده  
 است و بعلافت فقر و اجبار قبل از رسیدن بسن قانونی ازدواج و بوسیله اشخاصی غیر



از صاحبان دفاتر ازدواج و طلاق بطور غیر رسمی ازدواج کرده‌اند و قانون عاقبت و شوهر آنان را مستوجب مجازات شناخته است!

در مورد سواد خواندن و نوشتن جمعیت کاشان از ده ساله بی‌الا در نظر گرفته شده است از این اشخاص ۱۳ درصد سواد خواندن و نوشتن و ۲ درصد فقط سواد خواندن دارند و بقیه یعنی ۸۵ درصد بی سواد میباشند در بین این عده نسبت مردان با سواد بزرگان با سواد قابل توجه است: مردانی که خواندن و نوشتن را میدانند ۲۴ درصد و آنها که فقط خواندن میدانند ۳ درصد و بقیه یعنی ۷۳ درصد بی سواد هستند اما بین زنان بالاتر از ده سال فقط ۳ درصد سواد خواندن و نوشتن دارند و یک درصد فقط خواندن را میدانند و ۹۶ درصد بی سواد هستند باین ترتیب محرومیت زنان در محیط ما در مورد تحصیل و سواد هم اثر خود را می بخشد.

در بین سنین ۱۰ تا ۱۹ ساله یعنی اطفال نیز ۳۶ درصد ذکور و ۷ درصد انات خواندن و نوشتن را میدانند و مزیت مرد بزن در آنجا هم مراعات میشود. هفتمین و آخرین قسمت آمار مورد استفاده مربوط به تفکیک افراد فعال و غیر فعال از نقطه نظر اقتصادی است طبق این سرشماری در آبان ماه ۳۳ شصت و سه درصد جمعیت کاشان (از ده سال بی‌الا) مشغول کار بوده‌اند دو درصد در جستجوی کار و بقیه یعنی ۳۵ درصد از نقطه نظر اقتصادی جزء افراد غیر فعال به حساب آمده‌اند افراد غیر فعال در این آمار به زنان خانه دار، محصلین، متقاعدین و عاجزین اطلاق گردیده است از افراد ذکور ده سال بی‌الا صدی ۸۱ مشغول کار بوده‌اند و صدی ۳ در جستجوی کار در صورتیکه از افراد انات صدی چهل و پنج مشغول کار و فقط صدی یک در جستجوی کار شناخته شده‌اند.

این قسمت آمار شامل نوع کار افراد و درآمد آنها از این کار نیست و بهمین لحاظ نمیتوان حرفه یا صنعت خاص شهرستان کاشان را از روی آن تعیین نمود با کمک این آمار نمیتوان قضاوت کرد که شهرستان کاشان از لحاظ طبقه بندی اجتماعی در چه مرحله قرار دارد آیا اکثریت افراد آن را مزدوران تشکیل میدهند یا صاحبان حرف بندی و محلی، یا اینکه اساسا شهرستانی است که اکثریت ساکنینش کشاورز هستند. از طرف دیگر بطوری که قبلا اشاره شد کیفیت توزیع ثروت و درآمد در شهرستان کاشان بوسیله این آمار روشن نمیشود و چنانچه اساسا این موضوع در سرشماری و آمارگیری مراعات و تنظیم نشده باشد بنظر ما نقصی است. بهر حال اینکه سن ده سال برای سنجش و تفکیک فعالین از غیر فعالین میزان و مبنا قرار داده شده نشانه از عقب افتادگی و محرومیت مردم از تعلیم و تربیت است که در عین حال انگیزه اساسی آن فقر محسوب میشود.

در عین حال بطوری که اشاره شد آمار مذکور بدیع و تازه و جالب و مفید است و کوشش آمارگران بنفع مردم و کشور بوده است در پشت این آمار فقر و بی سوسامانی مردم از یک طرف و روابط و رسوم اجتماعی غلط و پوسیده از طرف دیگر بچشم میخورد و ارقام گویای آن میتواند برای روزی که نقشه «رفرم» و اصلاح در کار باشد کمکی مؤثر و قاطع بحساب آید...